

ایران اسلامی

از آنجا که نیاکان ما، با آئین نو (اسلام) آشنائی نداشتند در نخستین برخورد خود با آن در برابر آن مقاومت کردند ، ولی همینکه اسلام را شناختند آنرا یگانه راه حل مشکلات مختلف خود، دانستند و دعوت آنرا با جان و دل پذیرفتند و سرانجام نه تنها ازدشمنی با اسلام بازایستادند ، بلکه در صف مجاهدان اسلامی قرار گرفتند و در پیشبرد آن از هر نوع کوشش و فداکاری و جانبازی دریغ نکردند و اسلام را آئین زندگی ، و دینی وارسته از هر نوع تبعیضات ، یافتند .

ولی متأسفانه پس از درگذشت پیامبر ، غرور ملی و تعصب نژادی دامنگیر برخی از مسلمانان و زمامداران آنان گردید بطوری که پیام دلپذیر و ندای تسلی بخش اسلام را (گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست) (۱) نادیده گرفتند و بیک اصل موهوم جاهلی (برتری نژادی) تکیه زدند و اساس تعالیم پاک اسلامی را که روی عدالت ، انصاف ، برابری و برادری بود ، بدست فراموشی سپردند .

بنی امیه برخلاف دستورهای قرآن ، نژاد عرب را بر ملت‌های دیگر برتری دادند و به ملل دیگر با نظر حقارت می نگریستند ، ناگفته پیداست تحمل چنین وضعی برای سایر ملل مسلمان جهان خصوصاً برای ایرانیان بسیار سنگین و ناگوار بود ، زیرا : ایرانی در مظالم تبعیض طبقاتی ساسانی رنجهای فراوان برده و در جهنم و حشمتناك طبقاتی دردها و عذاب‌های سختی کشیده بود . ایرانی اگر با ساسانی اسلام را پذیرفت ، بیشتر بخاطر عدالت ، انصاف ، برادری و برابری آئین نو خاسته اسلام بود ، اسلام به آنان نوید رهایی از بند اسارت تبعیضات ساسانی را میداد .

ایرانیان از آنجا که دورنمایی از خلافت اسلامی را در دوران زمامداری

۱- ان اکرمکم عندالله اتقیکم - سورة حجرات آیة ۱۳ - لیس لعربی علی عجمی فضل الابلانقوی و از خطبه حجة الوداع - البیان والتبیین - ج ۲ ص ۳۹

علی (ع) که هدفی جز گسترش عدالت و محو تبعیضات نداشت بچشم خود دیده بودند، گرایش بیشتر و عمیق تری باسلام نشان میدادند و آرمان نهائی خود را در آن می یافتند ولی متأسفانه بر اثر انحراف حکومت اسلامی از محور خود، طولی نکشید نقشه های آنان نقش بر آب شد، و از همان شکاف عمیق طبقاتی و هرج و مرج اجتماعی که فرامیکردند، دوباره خود را در همان شکاف طبقاتی باز یافتند. یعنی مشی رهبری در اسلام در دوران بنی امیه بهمان راه افتاد که ساسانیان از پیش پیموده بودند.

تعمیبات ناروای امویان نسبت به مسلمانان غیر عرب بسیار گران بود ولی ملت باهوش ایران حساب اسلام را از حساب کار خلفا جدا کردند، از این روی مبارزه آنان با دستگاه غیر قانونی اموی شروع گردید. ایرانیان می اندیشیدند حکومت بنی امیه، مالا مال از تبعیض و ستم و بیادگری است و باید هر چه زودتر بساط چنین حکومتی از جامعه اسلامی برچیده شود.

علی (ع) و ایرانیان :

ایرانیان، قبلاً با حکومت علی (ع) که پشتیبان مسلمانان غیر عرب بود، آشنائی کاملی داشتند و تنها علی (ع) را دیدند که در دوران زمامداری خود ثابت نمود که اسلام در آن خود یک نظام کاملاً ضد تبعیض نژادی است، ایرانی معتقد بود اگر خلافتی چون خلافت علی (ع) روی کار آید، تمام مشکلات مسلمانان حل خواهد شد، لذا هر کجاندای حکومت علوی بگوش ایرانیان رنج کشیده و ستم دیده میرسید، روی به آن سوی می آوردند و از جابجایی و فداکاری در این راه دریغ نداشتند. (۱)

نهضت آزادی خواهی ملت ایران در دوران حکومت امویان از این نظر بود که آنان از مصمم قلب خواستار حکومت اسلامی بودند؛ آنان دین اسلام را می خواستند که تمام توده ها را یکسان شمرده عرب را باعجم، سفید را با سیاه برابر و برادر نموده است. این صفحه از تاریخ ایران و این فراز زندگی نیاکان ما، از احساسات پاک مذهبی آنان حکایت می کند و اینکه ناسیونالیستهای افراطی امروز، قیامهای مقدس ایرانیان را ناشی از تعصب و ملیت آنان می شمارند پنداری بیش نیست و در حقیقت آنها کار نیکان از نیاکان ما

۱- از اینجا یکی از علل گرایش نیاکان ما به پیروی از خاندان رسالت روشن می گردد و اگر برخی تصور کرده اند گرایش ایرانیان به خاندان اهل بیت بخاطر عادت بحکومت موروثی ساسانی است، یک پندار غلط و نادرست است و ریشه این پندار از دو فرم مستشرق بنام « ادوارد

براون » و « گیبینو » می باشد (تاریخ ادبی ایران ج ۱ ص ۱۹۵)

را ، به کار خود قیاس میکنند .

ناسیونالیسم افراطی

ازشکفتیهای عصر ما ، پندار گروهی از ناسیونالیستهای افراطی ماست که به بهانه اینکه يك پدیده ملی نیست و از وطن ما برنخاسته و از مرز بوم دیگر آمده است ، آنرا بیگانه می شمارند و ملی باید از آنان پرسید چرا نیاکان ما هنگامی که اسلام را محقق آرمانهای خردپسندانه خود تشخیص دادند ، از صمیم قلب آنرا پذیرفتند و هرگز نسبت بآن احساس بیگانگی نکردند و قرنهای خوشی و خرمی در سایه اسلام زیستند ؟

پر واضح است ایرانی در مدت سیزده قرن از تاریخ ایران که جزو تاریخ اسلام است در راه ترویج اسلام از هیچگونه فداکاری مضایقه نکرده است. صدها و بلکه هزارها ایرانی خون خود را در راه پیشرفت آئین اسلام ریخته و بلندی نام آنرا خونبهای خود دانسته است و با دلی شاد و روحی آرام جان سپرده اند .

اسلام از ملیت ما جدا نیست

از آغاز دوره هخامنشی که آغاز پرافتخار ایران است ، بیست و پنج قرن میگذرد . این سرزمین کهن سیزده قرن از آن تاریخ را با آئین اسلام گذرانده است ، بدین ترتیب تاریخ این آب و خاک با تاریخ اسلام آمیخته شده و هرگز از آن قابل تفکیک نیست ، بنابراین کسی که واقفاً به ملیت و کشور خود « ایران » علاقه دارد باید بتاریخ ایران اسلامی دست کم با همان چشم بنگرد که بایران باستان نگاه میکند حتی از جنبه عواطف و احساسات هم که باشد باید به ایران اسلامی ، بدیده احترام بنگرد .

و اگر بنا باشد ، تاریخ ایران از تاریخ اسلام جدا گردد در آن صورت ذخائر تاریخی و میراث گرانقدر گذشتگان ما ، بجز چند کتیبه و يك قسمت داستانها و افسانههای ملی و يك اوستای شکسته بسته با اوراق پراکنده چیز دیگری نخواهد بود .

و اگر ما ، از کتاب آسمانی خود « قرآن » بیبانه اینکه بزبان عربی است ، دست برداریم و بجای آن « اوستای زردشتی » را (چنانکه ناسیونالیستهای افراطی می پندارند) انتخاب کنیم جز سیر قهقری نتیجه ای نخواهیم گرفت ؟ اساساً تعالیم عالی قرآن ، با اوراق پراکنده ای که بنام تعالیم زردشت معروف است ، قابل مقایسه نیست ، نه تنها با قرآن قابل مقایسه نمی باشد بلکه با کتابهای عادی مسلمانان هم ، شایسته سنجش نیست آیا این

ضرر و خسارت قابل جبران است که از آنچه تاکنون مایه بقا و سرفرازی ما بوده ، دست برداریم و در یک چنین زمانی که ملت ایران نیازمند دلسوزی و فداکاری است از تاریخ پر- افتخار نیاکان خود الهام نگیریم ؟

عربی ستون فقرات زبان فارسی است

اگر ما ، برخلاف نیاکان خود با الفاظ عربی که بازبان فارسی آمیخته شده ورنک فارسی بخود گرفته اند ، بی اعتنا باشیم و آنها را بعلت بیگانه بودن ، از روی تمصب ، از زبان و ادبیات خود طرد کنیم ، آیا بیک اقدام خطرناک و زیانبار دست نزده ایم ؟ و آیا در آن صورت رابطه و همبستگی ما با ادبیات اصیل فارسی قطع نمی گردد ؟ بلکه اگر بنا باشد همیشه پارسی بگوئیم و یا پارسی بنویسیم ، باید خط بطلان روی تمام آثار ادبی و علمی بزرگان فلسفه و حکمت ایران مانند : فارابی ، ابن سینا ، محمد زکریا ، امام فخر رازی و خواجه نصیر طوسی و بزرگان شعر و ادب و عرفان مانند : ناصر خسرو ، سنائی ، نظامی ، مولوی ، سعدی ، حافظ و جامی ، بکشیم (۱)

آیا این زیان قابل تحمل است که ما تمام گنجینه های علمی و ادبی زبان فارسی را از دست بدهیم و زبان شیرین شعر و نویسندگان خود را که آثار فکری و علمی آنان الهام بخش بسیاری از گویندگان و نویسندگان پیشرو جهان گردید است ، درک نکنیم و نسبت با آنها بیگانه باشیم ؟ آیا این از وطن پرستی است که از تمام ذخائر و اندوخته های علمی و فکری و هنری خود که از نیاکان به امانت برده ایم ، دست برداریم ؟ آیا در این صورت دنیای علم و ادب بر ما نمی- خندد و در این موقع ما فرزندان ناخلف نیاکان نخواهیم بود ؟

جداً مایه تاسف است که ناسیونالیستهای افراطی ، لغات عربی را بجرم بیگانه بودن طرد می کنند و در عوض ، بجای آنها و اثرهای خارجی بکار می برند . آیا بهترین نیست بجای اینکه لغات عربی معمولی را از زبان فارسی بیرون کنند چاره ای بیندیشند و برای اصطلاحات و کلمات علمی خارجی ، که با سرعت در فارسی رخنه پیدا کرده اند ، معادل های مناسبی پیدا کرده و بکار ببرند ؟ (۲)

بقیه درص ۵۳

۱- سالنامه دنیا شماره ۲۵ سال ۴۸ ص ۱۳۲

۱- مجله هنر و مردم شماره ۷۲ ص ۴۹

کتابهای تازه

بخش اول کتابهاییکه توسط مؤلفین یا ناشرین محترم به کتابخانه مکتب اسلام اهداء شده است :

- ۱- روح البیان- بقلم : هدایت الله روحانی ، رقعی ، سلیفونی ، ۲۱۵ صفحه از انتشارات کتابفروشی مرتضوی- تهران (درباره اعجاز قرآن و تفسیر و ترجمه بعضی آیات آن)
- ۲- فروغ ابدیت نوشته : جعفر سبحانی ، شمیم ، جیبی ، جلد دوم : ۴۲۰ صفحه ، از انتشارات کتابفروشی رشنو خرم آباد (تجزیه و تحلیل جالبی از زندگی حضرت محمد (ص) بزرگترین پیشوای بشر) .
- ۳- نیکو کاری در اسلام- جیبی ، شمیم ، ۲۴۰ صفحه از انتشارات کتابخانه و دفتر مذهبی کارخانه سیمان درود (آیات و روایاتی درباره احسان و نیکو کاری در اسلام).
- ۴- قانون اساسی اسلام-تالیف حسن فرید گلپایگانی ، وزیر ، سلیفونی ۵۳۲ صفحه، از انتشارات مؤسسه مطبوعاتی فراهانی - تهران (مشتمل بر بحثهای
- مختلف اسلامی و حکومت شرعی)
- ۵- مدایح رسول اکرم (ص) گرد آورنده : قاسم وفائی ، وزیری ، زرکوب ، ۳۴۷ صفحه، از انتشارات کتابفروشی جعفری مشهد (اشعاری در مدایح رسول اکرم-ص)
- ۶- امام علی ، مشعلی و دژی - نوشته : سلیمان کنانی ، ترجمه جلال الدین فارسی ، رقعی ، سلیفونی ۲۵۴ صفحه ، از انتشارات مؤسسه برهان تهران (ترجمه کتاب پرارزش الامام علی نبراس و متراس)
- ۷- آنجا که حق پیروز است - از : پرویز خرسند ، شمیم ، رقعی ، ۲۳۱ صفحه ، از انتشارات طوس-مشهد بحثهای جالبی درباره واقعه جانسوز کربلا
- ۸- تفسیر سوره حجرات بقلم- سیدرضا صدر ؛ سلیفونی ، رقعی ، ۲۱۳ صفحه ، چاپ دوم ، از انتشارات کتابخانه صدر تهران (بیش از پنجاه بحث از مباحث الهی ، اجتماعی ، حقوقی قرآن)

۱۴ - رهبران بشریت - نوشته :
ناصرچیان ، شمیز ، رقمی ، ۱۹۹ صفحه
از انتشارات کانون تربیت شیراز (پیرامون
زندگانی و فداکاری پیامبران و ائمه (ع)
۱۵ - رهنمای سعادت تالیف :
محبوب ابراهیم زاده سرابی ، زرکوب ،
رقعی جلد اول ۳۳۲ صفحه ، جلد دوم
۳۶۴ صفحه ، ناشر مؤلف (دربارہ
موضوعات متفرقه دینی

بخش دوم : اسامی افراد محترم و تعداد کتاب
هائیکه به کتابخانه مکتب اسلام هدیه شده :
آقای سید محمد علی ابطحی از مشهد ۴ جلد
» محمد حسن راستگو از مشهد ۱
» منوچهر اشراقی از قم ۱
» منوچهر مشرقی از قم ۱
» شمس الدین پرویزی از تبریز ۲
» سید محمد علی خواجه الدین از تبریز ۱
» حاج اسمعیل جعفری شانجانی از شبستر ۱
» حاج هاشم میرابی - از شبستر ۵
» باقر رشادتی از اهر ۱

۹ - سایه های غم - از حبیب چاپچیان
شمیز ، رقمی ، ۱۲۰ صفحه ، ناشر مؤلف
(چهارمین مجموعه اشعار مذهبی سراینده)
۱۰ - کلام حق از : محب الاسلام ،
جیبی ، زرکوب ؛ ۳۰۵ صفحه ، ناشر
یکی از خیر خواهان (آیاتی راجع به
وظائف مسلمانها و بعضی از مسائل اخلاقی
و غیر آن)

۱۱ - زاد الصراط اثر طبع : محمد
شرمی کاشانی ، شمیز ، وزیری ، ۲۳۱
صفحه . ناشر ، حاج حسن رجائی (در
مدایح و مرثی ائمه (ع) .

۱۲ - جوانان در خطر سقوط :
نوشته : سید علی محمودی ، شمیز ؛ جیبی
۶۳ صفحه ، از انتشارات سازمان مطبوعاتی
محمودی (یک بحث اجتماعی و انتقادی
پیرامون مشکلات جوانان)

۱۳ - دستور اسلام - بقلم : هدایت
الله روحانی ؛ شمیز ، رقمی ۷۲ صفحه ، ناشر
مؤلف (دربارہ از دو اجهای حرام در اسلام) .

بقیه از صفحه ۵۱

بی خبری از تاریخ

ناسیونالیستهای افراطی بعرب می تازند و شکست خاندان ساسانی را دستاویز می کنند
آیا این خود بیخبری از تاریخ نیست ؟ خوب بود آنان تاریخ این دوره را مطالعه میکردند
آنوقت میدانستند خاندان ساسانی در زمان خسرو پرویز بچه حالی افتاده بود ، پدر پسر را کور
می کرد ، پسر پدر را می کشت برادر ، برادران خود را نابود می نمود و بالاخره میدید که فساد ،
چه اندازه در بنیاد حکومت ساسانی نفوذ کرده بود که به چنین سر نوشتی دچار گردید .

و بنا بگفته بعضی : اگر نفوذ اسلام ، بنیاد پوسیده ولرزان سلطنت ساسانی را از بیخ
بر نمی کند ، مسلماً ایران دستخوش تجاوز دیگران میگردد .
بنابراین هجوم مسلمانان بایران نعمت بسیار بزرگی بود که ایرانرا از نابودی حفظ
کرد و بایرانی بهترین فرصتی داد تا استعداد خود را بکار انداخته در راه پیشرفت جامعه اسلامی
که خود نیز یکی از بزرگترین ارکان آن بشمار میرفت ، بکار و کوشش بپردازد و سهم مؤثر
خود را در پیشبرد دانش بشری ، در دامن تمدن ایران اسلامی ، بانجام برساند .

بدین جهت در اندک مدتی تمدنی پر شکوه و پرمایه بدست آوردند که اصلاً تمدن ساسانی
قابل مقایسه و سنجش نبود .